



# یک گلدان خالی

■ مریم محمدی  
معلم پایه اول دبستان دخترانه ناحیه ۲

مریم محمدی، کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی از دانشگاه آزاد اسلامی دارد. از چهارده سال پیش تاکنون در پایه اول دبستان معلم تجربه اندوزی کرده که از سال ۱۳۹۹ وارد دبستان دخترانه دوره اول مجتمع جوادالائمه (ع) شده است.



اشتباهی کردم و چطور ما معلم‌ها گاهی فکر می‌کنیم والدین باید همه جزئیات را کامل، دقیق و بدون خطا بفهمند؟! این اتفاق کوچک برای من به تجربه‌ای همدلانه با مادران تبدیل شد. به خودم یادآوری کردم که ما

معلم‌ها هر چقدر هم دقیق توضیح بدهیم، باز هم ممکن است برداشت والدین متفاوت باشد، نه از بی توجهی، بلکه از تفاوت نگاه، تجربه و حتی مشغله‌های روزمره.

از آن روز به بعد، سعی کردم در پیام‌هایم واضح‌تر بنویسم، مثال بزنم، عکس بفرستم و مهم‌تر از همه، قبل از قضاوت یا گلایه، کمی خودم را جای مادران بگذارم؛ مادری شبیه خودم که شاید پیام را بین صد کار دیگر می‌خواند.

گلدان سفید آن روز هیچ گلی درونش نداشت؛ اما برای من گلی شد که ریشه زد و رشد کرد؛ گل درک متقابل، گل صبوری با والدین و یادآوری اینکه ما هم اشتباه می‌کنیم. گاهی اشتباهی کوچک می‌تواند بهترین درس برای معلم باشد. ■

چند هفته پیش، اتفاق ساده‌ای روز مرا ساخت؛ اتفاقی که شاید از نگاه دیگران کوچک و معمولی باشد، اما برای من معلم چراغی روشن بود و نگاهم را تغییر داد.

معلم دخترم در گروه کلاس چنین پیامی را گذاشته بود: «لطفاً فردا گلدان سفیدی را برای کلاس همراه بچه‌ها بفرستید.» من هم مثل بسیاری از مادرها، با عجله پیام را خواندم و تصور کردم منظورم گلدان خالی است؛ همان گلدانی که هنوز در آن، گلی کاشته نشده است.

صبح فردا گلدان را آماده کردم و با خیال راحت در کوله دخترم گذاشتم. ظهر که برای بردنش رفتم، با همان صدای کودکانه و شیرینش گفتم: «مامان، خانم گفته گلدانی که توش گله، نه گلدون خالی.»

همان جا مکث کردم. یک لحظه خجالت کشیدم. لحظه بعد دلم خواست بخندم و مهم‌تر از همه، یک دفعه خودم را جای تمام والدین کلاس خودم گذاشتم. با خودم گفتم: «چطور من مادر چنین برداشت